



ماهنامه شهیاد - شماره ۷۵

پروانه وزارت کشور شماره ۲۱۲۹

سر دبیر و مدیر مسئول: میخائل پنجازی

عضو اتحادیه سردبیران و خبرنگاران اسرائیل

تلفن/فکس: ۰۳۸۵۰۳ پلخن: ۰۵۱-۲۰۸۸۵۰، ۰۵۸-۳۶۳۴۹۱

صندوق پستی ۱۲۳۴ خولون ۵۸۱۱۲

שהיאד - גליון 75

רשיון משרד הפנים מס. 2129

מו"ל: פנחסי קוז הפקות \* עורך ראשי: פנחסי מיכאל

טל/פקס. 03-5038503

פלאפון: 058-363491, 051-208850

ת.ד. 1234 חולון 58112

سایت اینترنت (כתובتینو באיترنנט) web address:

[www.shahyad.cjb.net](http://www.shahyad.cjb.net)

پست الکترونیکی (دوار اלקטרונים) e-mail:

penhasi@yahoo.com

אין המערכת אחראית על תוכן המודעות

כל הזכויות על עיצוב גרפי של המודעות שמורות למערכת

## آخر تا کی؟؟!!...

سی سال در بدری، سی سال بی رهبری، سی سال چشم بندی و نابرابری. آخر تا کی؟

در پی سرمقاله شماره قبل، عکس العملهای مثبت و منفی بسیاری به دفتر مجله رسید که مهمترین آن انتقاد یکی از رهبران سازمانهای ایرانی بود که گله میکرد چرا ناحقانه! به مسئله همبستگی سازمانهای موجود پرداخته ایم. بحث این گفتگو بر پایه این اصل بود که گلایه ما از عدم برنامه ریزی و پایه گذاری صحیح برنامه، انتقادی نامناسب است. در جواب این سؤال که اولاً چرا این طرح با شرکت تمامی سازمانهای ایرانی موجود در کشور هماهنگ نمیشود، آن سرور عزیز پای تلفن جواب دادند که دو یا سه سازمان تشکیل دهنده طرح "اتحاد سازمانهای ایرانی" اکثریت را تشکیل داده و دیگر سازمانهای کوچک در اقلیت اند. و در پاسخ به سؤال دوم که چرا قبل از آغاز این طرح برای ایجاد یک رهبری کاردان و آگاه که مورد قبول مردم باشد، انتخاباتی صورت نمیگیرد؟ پاسخ این بود که پس از اتحاد این سازمانها، طی یکی دو سال آینده انتخابات عملی خواهد شد...

البته با نگاهی کوتاه به سابقه امر دموکراسی در رهبری جامعه خویش درمی یابیم که موضوع انتخابات در این جامعه امری کاملاً ناآشناست و از حدود سی سال پیش تاکنون که جامعه ایرانی مقیم اسرائیل صاحب سازمان و مدیریت هایی شده است حتی یک انتخابات درست و حسابی در راستای تعیین رهبران جامعه که حکم نمایندگان ما در مقابل دیگر ایرانیان کشورهای خارج را بازی مینمایند، بعمل نیامده است. البته در اینجا همانطور که توجه کرده و نیز باز خواهید دید ما اسم و رسمی از هیچ فرد و سازمانی را نمی بریم تا خدائی ناکرده مسئله شخصی و ناراحتی برای کسی پیش نیاید، بلکه در اینجا حرف ما حرف مردم است و حرف نابرابری و نابسامانیها. و چرا ما بعنوان یک نشریه (و نه حتی ماهنامه) فارسی زبان باید این وظیفه سنگین را بدوش بکشیم؟ در جواب باید گفت که در این مدت ۱۲ سال فعالیت انتشاراتی و مطبوعاتی، بمراتب مردم کوچک و خیابان با نامه و تلفن و درخواستهای شخصی از ما خواسته اند و هنوز هم میخواهند که صدایشان را از این طریق بگوش این رهبران دائم الامر برسانیم. و حالا که چند سالی است که طرح تک سازمان کردن جامعه ما مطرح شده است این درخواستها بعد تازه تری را بخود گرفته است.

در اینجا باید پرسید چرا در این مدت مدید اجرای این پروژه نه تنها عملی نشده بلکه پایه ریزی آن حتی موفق نبوده است بقیه در صفحه 5

\* مسئولیت تنظیم متن آگهیهای مندرج با هیات مدیره نمیباشد  
\* مطالب رسیده از خوانندگان برایشان پس فرستاده نخواهد شد  
\* شهیاد در اصلاح، حک و کوتاه کردن مقالات رسیده خود را مجاز میداند.

\* مقالات وارده صرفاً عقیده نویسنده بوده و چاپ آن دلیل بر تأییدش از سوی مجله نمیباشد.

\* شهیاد از چاپ مقالات و مطالبی که با اصول اخلاقی، امنیت و منافع ملی مغایرت دارند، معذور میباشد

\* حق چاپ، تکثیر، تقلید، فوتوکپی و استفاده از طراحی آگهیها بدون اجازه کتبی از دفتر مجله حتی برای آگهی دهندگان ممنوع میباشد.

\* استفاده از مقالات با ذکر شهیاد مجاز است

\* شهیاد در انتخاب و چاپ مطالب رسیده و آگهیها مجاز است

\* از چاپ مطالب رسیده که نام و یا نشانی فرستنده آن ذکر نشده معذوریم. اگر مایل باشید نام فرستنده محفوظ خواهد ماند.

## مدیریت تالار بهشت شیراز



موعدای پسح، جشن رهایی

و آزادی قومی و مردم ما

به کلیه هموطنان

عزیز تبریک عرض مینماید

خیابان پینکاس ۲ بت یام، تلفن: ۰۳-۵۰۷۲۲۶۴

# خاطراتی از رضاشاه پهلوی

به نقل از مطبوعات، رجال سیاسی و کتب تاریخی

تهیه کننده: ب. بوستانی

## یادداشت‌های رضاشاه

در اولین روز زمامداری فرقه، امریه زیر را صادر نمود: "تمام پولیکه اختصاص بفرقه قزاق دارد باید بدون دیناری حیف و میل صرف خریداری اسلحه و لباس افراد برسد. بهیچ صورتی اجازه نمیدهم که يك پول سیاه از آن بجیب يك صاحب منصبی برود."

پس از صدور این دستور هر روز شخصا بمشق و تمرین افراد پرداختم و از خارج با نهایت بیداری مراقب حوادث بودم. از خاطرم میگذشت من با يك فوج قزاق لخت و عور در چه وضعیتی هستم. مملکت دچار چه حوادثی است، ملت ایران چگونه از بی صاحبی و بی سرپرستی رنج میبرد و جان میکند.

(شمار قوایی که رضاخان از افراد قزاق تجهیز کرده و در اختیار داشت ۲۵۰۰ نفر بودند. در ۱۵ شباط ۱۹۲۰ این قوا پفرماندهی رضاخان حمله به تهران را آغاز نمودند).

در عصر روز ۲۱ شباط لشکر بعزم تهران حرکت نمود. از دروازه قزوین نیروی ما وارد پایتخت شد و هیچگونه



مقاومتی از جائی ندیدیم. من بفرمانده زیر دست امر دادم دسته های سوار نگهبان برای محافظت قصور شاه و بانکها و مطبوعات و عمارات هیئت دولت بگذارد که آنها را محافظت نمایند. بعضی معتقد بودند که بورود ما جویهای خون جاری خواهد شد ولی هیچ حادثه رخ نداد. تنها یک نفر پلیس که جلو خانه رئیس الوزرا مقاومت نمود کشته شد. دیگر نه کسی کشته شد و نه خانه و ملک و دکانی بغارت رفت.

بسر زدن آفتاب در روز اول تصرف تهران، احمدشاه فرمانی صادر نمود و مرا بریاست ارکان جیش و فرماندهی کل قوای شاهنشاهی تعیین نمود. از

انقلاب تهران و سرگرمی ما بعضی از قبایل از فرصت استفاده کرده رابطه خود را با مرکز قطع کردند. میرزا کوچک خان اعلان جمهوریت آزاد را در گیلان داد. دیدم ضرورت اقتضاء دارد اینها را ادب کنم و هر کس را سر جای خود بنشانم. جنگهای داخلی آغاز شد ولی موقعی در مقام گوشمالی و تنبیه برآمدم که چند هواپیمای جنگی و توپهای جدید بدست آوردم و آخرین پول موجودی در خزانه را بمصرف لشکر رسانیدم. پس از سه ماه از مشق و آموختن فنون جنگی لشکر آماده شد که برای پایان دادن هر فتنه بکار وارد شود.

در ۲۱ تموز ۱۹۲۱ دسته بزرگی از لشکر را بخراسان فرستادم که همجوار بحدود روسیه است. یکی از رؤسای لشکر بیرق مخالفت را بلند کرد و اعلان حکومت اشتراکی را برمبانی و اصول حکومت مسکود داد و رابطه خود را با مرکز قطع کرد. خاموش کردن فتنه خراسان سه ماه وقت لشکر را گرفت. بس از خاتمه فتنه خراسان، لشکر را بطرف گیلان سوق دادم. در اینجا مقاومتی از طرف مخالفین بعمل نیامد زیرا اتباع میرزا کوچک خان همینکه فهمیدند تاب برابری ندارند پشت کردند و متواری شدند. در هر منطقه که جنگ پایان میافت تسلیم بقیه در صفحه روبرو

\* سیاست مستقل ملی ایران به حداکثر درخشندگی خود رسیده است.

\* سیاست ما در برنامه پنجم بر دو اصل استوار است: رونق

کشاورزی و توسعه رفاه اجتماعی

(در مراسم گشایش مجلسین - ۱۵ مهر ۱۳۵۱)

\* سادات هم میتوانند بجنگد و هم میتوانند صلح کند.

\* قدرت خرید همه چیز را داریم.

\* ایران در برابر بازار مشترک روش سخت تری را اتخاذ میکند.

\* هیچ کشوری نمی تواند با سلاحهای معمولی به کشور من حمله کند.

\* چند سال قبل از فولکس واگن خواستیم در ایران کارخانه

بسازد علاقه ای نداشت. امروز آنها تقاضا میکنند و ما

جواب منفی می دهیم.

(در مصاحبه با اسپیکل - ۱۹ بهمن ۱۳۵۳)



سخن شاه

میشدند. به اهالی عفو عمومی دادم و مبالغی صرف معیشت آنها کردم زیرا بیشتر فقر و فاقه بود که آنها را وادار بموافقت مخالفین میکرد.

از کیلان متوجه خاموش ساختن فتنه های قبایل یاغی ترکمن در آذربایجان و قبایل اکراد در ماکو شدم و تمامی این مناطق را امن و امان و بدولت مرکزی مطیع نمودم و به تهران بازگشتم. اهالی تهران خدمات و جان فشانی های مرا

تقدیر نمودند، شهر را آئین بستند چراغانی کردند. چون دیدند و فهمیدند کشور از هم پاشیده و پر از آشوب بهم پیوسته. امنیت و انتظام در سراسر مملکت حکم فرما شده، حکومت مرکزی بر تمام اوضاع مسلط است. در همه جا یک قانون جاری است که درباره همه مساوی اجرا میشود. ملت واحد تحت زمامداری حکومت واحد در سایه قانون و عدالت واحد مثل همه ملل زنده منظم زندگی میکند. مشکل ترین و سخت ترین کاری را که

من در پیش داشتم تشکیل يك ارتش متحد، يك نیروی قوی که بتواند بر دوره خودسری و طغیان روسای عشایر و ملوک طوایف که مستهظربدخاله اجانب بودند پایان بدهد و يك نظم و آرامش خلل ناپذیری در سراسر کشور ایجاد کند و همه را يك کاسه مطیع حکومت مرکزی نماید. هیچ امری از امور داخلی ما از کوچک و بزرگ نبود جز اینکه انگشت خارجی در آن دخالت داشت. □

**ادامه سرمقاله**

بعقیده ما دلایل این امر را بدین ترتیب میتوان تشریح نمود:

۱- ریاست طلبی و حس جاه طلبی بعضی از مسئولین: که باعث شده حتی تلاشهای سازمانها و شخصیتهای ایرانی صالح داخل و خارج از اسرائیل بی نتیجه بماند. نقطه وجه این مسئله در بعد وسیعتر کاملا نظیر آنچه است که در حکومت های دیکتاتوری دول جهان سوم بخصوص آقایان فیدل کاسترو، قذافی، صدام ملعون، اسد و عرفات میگردد.

۲- عدم رهبری سالم و مناسب: نتیجه و کارنامه منفی چندین و چند ساله این رهبران به خوبی نشان میدهد که این دیکتاتورها هرگز برای ما نه تنها رهبر در چهارچوب زندگی جامعه ایرانی این کشور بلکه حتی نماینده مناسبی برای شناساندن درست ما به دیگر جوامع کشورهای خارجی نبوده اند. واقعیت بر این است که ما خود نخواستیم دهها سال است که از يك رهبری نادرست دائمی غیر قابل تعویض و غیر مردمی رنج میبریم.

۳- برنامه ریزی نادرست در تقسیم منابع مادی: بخصوص در تعیین اولویت ها بر اساس نیازهای اولیه جامعه که باز این امر از همان اصل بالا یعنی مدیریت ضعیف و ناآگاه ناشی میگردد.

همین زنجیره شکستهاست که باعث گردیده تا تمامی طرحهای همبستگی تاکنون به نتیجه مثبتی نرسیده و برخلاف جامعه کوچکی نظیر عراقی های مقیم اسرائیل پس از پنجاه و پنج سال ایرانیان برای خود يك سازمان حقیقی و حقوقی آنطور که درخور شان و منزلت آنهاست نداشته باشند. جای بسی خجالت و سرشکسته گی است که در عنوان قرن بیست و یکم ما هنوز که هنوزه بویی از دموکراسی اجتماعی نبرده ایم. مگر در این جامعه ۲۰۰ هزار نفری ما که به افتخار میتوان ادعا نمود سرآمد دیگر جوامع مقیم این کشور است، افراد جوان، خلاق، روشنفکر و با استعداد که خوی رهبریت آنها برآتب از این فسیلهای شبهه صدام کمتر نیست کم داریم؟ آیا ما باید واقعا به گوشه ای بنشینیم تا " جورج بوش " تازه ای از آنسوی آنها وضع اجتماعی ما را روشن نماید تا پس از آزادی جامعه از زنجیر این بودجه خواران، همگی زیر پا و پرچم او بوسه زنیم که آزادی را برای ما به ارمغان آورده؟

دردناکتر از همه اینکه هروقت فردی برای تصحیح این راه ناهموار سربر آورده دیگران عانا سر او را به زیر خاک کرده اند. دوستان عزیز و شمائی که از انتقادات ما رنجیده خاطر شده و میشوید، متاسفانه شما در کلاس اول دموکراسی و رهبریت رفوزه شده اید. می پرسید چرا؟ زیرا پایه اولیه دموکراسی انتقاد مثبت است. ما کسانی نیستیم که فکر تخریب و ویرانی در سر داشته و نه در این راه منافع شخصی خود را پیش خواهیم برد. ولی مطمئنا آن کسی نیز نخواهیم بود که با بستن چشم و گوش و زبان خود سر به زیر چاقوی این رجال بسپارد.

البته ما همیشه برای انتقال دانش و تجربیات خود جهت پیشرفت اهداف اجتماعی فرهنگی جامعه مان آماده بوده و از این سازمانها یا سازمان واحد آینده دعوت می نمائیم تا از اطلاعات و آموزه های ما بهره برداری نمایند. اطلاعات و افتخاراتی که ظرف دوازده سال گذشته در تمامی امور انتشاراتی، مطبوعاتی، سیاسی، و یا اداره امور کتابخانه و سایتهای اینترنتی با حداقل بودجه نصیبان شده و هرچند در این کوتاه مقاله جای بحث و توضیح در رابطه با آن نیست، ولی باید ادعا نمود که بخدا قسم اگر تنها يك درصد بودجه این سازمانها در اختیار ما بود، میتوانستیم زمین و آسمان را بهم بدوزیم. باشد تا آغاز این سال نو ایرانی پایانی باشد بر این نابسامانی ها.

سر دبیر